

جهت خرید فایل word به سایت www.kandooon.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید



دانشگاه آزاد اسلامی واحد تفت

کار تحقیقی (۱)

کارشناس حقوق قضایی

عنوان:

جرم سیاسی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر امامی

دانشجو:

فاطمه عابدی اردکانی

جهت خرید فایل word به سایت www.kandooen.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

www.kandooen.com

www.kandooen.com

www.kandooen.com

www.kandooen.com

پیشگفتار

مقدمه

۱ فصل اول: کلیات

۱ بخش اول: تعریف جرم شناسی

۲ گفتار اول: چرا جرم شناسی را دانش مقدسی می شماریم؟

۳ بخش دوم: علت جرم

۴ خلاصه فصل اول:

۶ فصل دوم: احکام و مسائل جرم سیاسی

۶ بخش نخست: پیشینه تاریخی جرم

۱۰ بخش دوم: تعریف جرم سیاسی

۱۶ گفتار اول: ویژگی های جرم سیاسی

۱۷ بخش سوم: نحوه برخورد کلی با مجرمان سیاسی

۲۰ بخش چهارم: میزان و نوع مجازات در جرایم سیاسی و نقش هیأت منصفه

بخش پنجم: علنی بودن دادگاه، حضور هیأت منصفه و حضور وکیل و تأکید بر تشکیل جلسات دادگاه در

۲۱ محاکم دادگستری

۲۲ بخش ششم: تأملی در تخفیفات و تسهیلات

فصل سوم : بغی یا جرم سیاسی از نظر اسلام ۲۶

بخش اول : تعریف جرم سیاسی از نظر اسلام ۲۷

بخش دوم : شخصی (و یا درونی بودن) جرم سیاسی (بغی) و یا مادی و بیرونی بودن آن از نظر اسلام ۲۹

بخش سوم : شرایط جنگ با بغات یا مجرمین سیاسی ۳۲

بخش چهارم: جرم سیاسی در متون اسلامی ۳۳

بخش پنجم : مزایای مجرمین سیاسی و حقوق بغاه ۳۶

گفتار اول : قبل از اقدام به جنگ ۳۶

گفتار دوم : در خلال شورش و پس از جنگ ۳۷

خلاصه فصل سوم ۳۸

نتیجه گیری ۴۰

پیشنهادات ۴۱

منابع و مأخذ ۴۲

جرم رفتاری است که توسط قانون بزه یا خطایی عمومی تلقی و منع شده است و ازاین رو ، در صورت وقوع ، پس از پیگرد و دادرسی کیفری ، قابل مجازات است . برای تحقق رابطه اجتماعی مجرم‌نامه سه رکن :
۱- عنصر قانونی ۲- عنصر ماده و ۳ عنصر معنوی باید جمع شود

یکی از انواع و اشکال جرایم ، «جرم سیاسی» است . تفکیک بین جرایم سیاسی و جرایم عمومی و عادی تا انقلاب فرانسه (۱۷۸۹) ناشناخته بود. با توجه به ارزشی که ملت های گوناگون برای حاکمیت خود قائل بوده اند و با توجه به تلاش حکام در جهت حفظ قدرت و حاکمیت خود ، جرایمی که ماهیت سیاسی داشت و به نحوی مربوط به شاهان و سلاطین و امپراتوران می شد با شدیدترین و هولناک ترین مجازات ها مواجه بود . و گاه نه فقط مجرم سیاسی ، بلکه خانواده و نیاز و مال و منال و خلاصه هستی او ، فدییه و قربانی عمل و اقدام مجرم می گردید .

البته به مرور ایام این تفکر به وجود آمد که مجرمین سیاسی ، به دلیل برخورداری از انگیزه شرافتمندانه، مستحق برخوردی حاضر و عطف آمیز می باشند . بنابراین تخفیف ها و مساعدت هایی برای این قبیل مجرمین از قبیل عدم اجبار آنها به انجام کار در زندان و یا پوشیدن لباس مخصوص زندانیان ، عدم امکان استرداد آنها به کشورهای متقاضی استرداد ، لزوم وجود هیأت منصفه در رسیدگی به جرایم آنها ، فقدان محدودیت در مورد اعطای عضو به آنان ، عدم اجرای مقررات مراجع به تکرار جرم در مورد آنها ، اعاده حیثیت سریعتر نسبت به مجرمین عادی و نظایر آنها در قوانین موضوعه پیش بینی شده است .

در ایران به رغم اهمیت موضوع جرم سیاسی ، در مورد این جرم نسبت به سایر جرایم ، تخفیفات جزایی و جرم شناسی اندکی انجام گرفته است .

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید

یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

همین محاسن، تحریر شده را بر این دست نامه تحسینی خود موضوع جرم ساسی را بر تریس و در این

باره پژوهشی بعمل آورد. البته به دلیل تحقیقات اندک، در راه انجام این پژوهش مشکلات و موانعی از جمله

کمبود منابع وجود داشته که امید است استاد محترم با علم به این مشکلات و موانع تحقیق حاضر را مورد ارزیابی قرار دهند.

بی تردید بدون همکاری و مساعدت مجموعه‌ای از عوامل دخیل امکان این پژوهش وجود نداشت. در

اینجا سزاوار است از راهنمایی‌ها، تلاش‌ها و ارشادات استاد درس جناب آقای دکتر امامی تشکر و قدردانی

کرد. همچنین از مسئولین و کارمندان کتابخانه‌های دانشگاه یزد، مجتمع علوم انسانی دانشگاه یزد، دانشکده

الهیات میبد که بعضی منابع مربوط به این پژوهش در اختیارم گذاشتند و کسانی که کار تایپ و صحافی این

تحقق را به عهده گرفتند و نیز پدرم که امکان اخذ پاره‌ای مطالب از سایت‌های اینترنتی را برایم فراهم کرده و

در انتخاب این موضوع کمکم کردند و سپاسگزاری و قدر دانی می‌نمایم.

مسئلاً این پژوهش همراه با کاستی‌ها و ضعف‌هایی است اما امیدوارم که استاد محترم به عنوان یک کار

اولیه و مقدماتی کمبودها را نادیده و از این طریق بستری برای کارهای عمیق‌تر بعدی فراهم شود.

تفکیک بین جرایم سیاسی ، و جرایم عمومی و عادی ، تا انقلاب فرانسه (۱۷۸۹) نه تنها ناشناخته بود ، بلکه ، قبل از آن تاریخ ، جز در برخی حکومتها آن هم به صورتی بسیار محدود ، نامی از جرم سیاسی برده نمی شد ، ولی در عوض جرایمی که ماهیت سیاسی داشت و به نحوی مربوط به شاهان و سلاطین و امپراطوران می شد ، با شدیدترین و هولناک ترین مجازاتها ، مواجه بود . و گاه نه فقط مجرم سیاسی ، بلکه خانواده و تبار و مال و منال و خلاصه هستی او ، فدییه و قربانی عمل و اقدام مجرم می گردید .

از انقلاب فرانسه به بعد ، اندک اندک با ظهور و بروز مکاتب طرفدار فرد « جرم سیاسی » ماهیت و هویت مستقل پیدا کرد و سالها به عنوان اماره و نشانی از رشد ، و مرفقی بودن و آزادیخواه بودن تلقی می شد و همین سیر به تدریج در سایر کشورها ادامه یافت و زمانی جرم سیاسی و تفکیک آن از سایر جرایم سخن روز شد .

طرح مقوله جرم سیاسی و تفکیک آن از جرایم عادی و عمومی که قرآن کریم و روایات و فقه غنی و سرشار اسلام ، هزار و اندی سال پیش ، یعنی درست زمانی که وحشتناک ترین مجازاتها در کمین مجرمان سیاسی بود ، بدان پرداخته و مزایای چشمگیر و قابل توجهی به مجرمان سیاسی داده بود .

همین انگیزه ، باعث کشش و کوششی بود که دقت و تحقیق در اطراف و جوانب « جرم سیاسی » را سبب می شد .

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز ، اصلی را به « جرم سیاسی و مطبوعاتی » اختصاص داده که مقرر

می دارد :

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید

یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

«رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی محلی است و با حضور هیات منصفه در محام داد نسری»

صورت می گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را، قانون بر اساس

موازن اسلامی معین می کند.»

www.kandoo.cn.com
www.kandoo.cn.com
www.kandoo.cn.com

بخش اول: تعریف جرم شناسی^۱

جرم شناسی دانش نوساخته‌ای است که دوران کودکی خود را می‌گذراند. سده‌ای پیش نیست که این دانش تجربی و ترکیبی از مقام پند او تفکر و اندیشه و گفتار فارغ گردیده و به عمل پیوسته و ذهنی بودن به عینی شدن درآمده و راه امعان نظر، تجدید، آزمون و سنجش را در پیش گرفته است.

جرم شناسی یکی از جالب ترین و ارزنده ترین و انسانی ترین و مقدس ترین و پرثمرترین رشته های دانش است.

جرم شناسی یکی از جلوه های با شکوه و درخشان کنجکاوی ژرف و گسترده و همه جانبه دانشمندان و متخصصان بشر دوست است. جرم شناسی، در این کنجکاوی، همه دانشهای تجربی و انسانی از روانشناسی، روانپزشکی، زیست شناسی، جامعه شناسی، علوم پرورشی، تاریخ؛ فرهنگ ملی، اقتصاد، آمار، بوم شناسی و رشته های دیگر از علوم را برای سعادت انسانی و جامعه به خدمت خود درآورده است.

عالی ترین هدف هر جامعه پیشرو متکی بر ارزشهای اخلاقی، شناخت انسان این موجود ناشناخته و فراهم کردن بهترین شرایط تجلی حدیث و نبوغ و خلاقیت و اعتماد معنوی و تأمین رشد هرچه بیشتر اخلاقی و سعادت اجتماعی آن جامعه متعالی است.

در این زمینه جرم شناسی، در میان همه دانشها، از لحاظ جامعیت مقامی ویژه و والا دارد و مضافاً آنکه انسان و سعادت و سربلندی او هدف نمائی اندیشه کار جرم شناسی است.

^۱ - کی نیا، مهدی، مبانی جرم شناسی، جلد اول، (تهران)، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲، چاپ ششم، ص یک.

جرم ساسی یا بره ساسی رسه ای است از «موم جنایی» که درباره «عوامل جرم ری» و بیعیات و امور و

مقتضیات و شرایط فردی و محیطی و اجتماعی مؤثر در بروز رفتار جنائی یا «علل» و وقوع جرم و صور گوناگون بزه و جنبه های کمی و کیفی آن و از پیدایش حالت خطرناک در انسان یا انسانهای تبهکار و معمای تشکیل گروه های جامعه ستیز در میان جوامع انسانی با روش عینی و علمی یا مشاهده و آزمون و مقایسه و استقراء کافی به بررسی و تحقیق مداوم می پردازد تا مگر با استمداد و استفاضه از تمام تخصص های علمی بر طرق پیشگیری مستقیم یا غیر مستقیم از حدوث جرائم و روشهای درمان و اصلاح و تربیت بزهکاران یا کسانی که در اثر عوامل جرم زای فردی (تن و روان) و محیط طبیعی و اجتماعی بدی را برگزیده اند و از خود رو برتافته و از انسانیت گریخته اند و پرورش دوباره و از نو سازگار ساختن آنان با جامعه و نظام اجتماعی دست یابد.

گفتار اول: چرا جرم شناسی را دانش مقدسی می شماریم؟

جرم شناسی از این رو دانش مقدسی است که می کوشد تا راهی بیابد که انسان ناکامی که با خودش قهر کرده و از خویش گرفته و از جامعه روبرتافته و سرناسازگاری در پیش گرفته است با خودش آشتی کند و راه مهر ورزیدن بیاموزد، با جامعه نیز در صلح و صفا و یکرنگی به سر برد، گم گشتگان را بر راه آورد، رقابت و جنگ و ستیز را به تعاون و محبت و داد تبدیل کند. شقاوت را به سعادت، سقوط را به اعتلاء، بدی را به نیکی، زشتی را به زیبایی، نفرت را به محبت، خصومت را به دوستی، کفر را به ایمان، ناپاکی را به پاکی، بدل ساز. خلاصه در نوسازی انسان و جامعه می کوشد بدون اینکه بخواهد از پیشرفت مادی او و رشد آن چشم پوشد. سعی دارد از او انسانی برتر و والاتر برای زندگی بهتر و انسانی تر همگام با معنویات و سطوح عالی اخلاقی بسازد.

می دانیم راهی است الهی و از جنبه قدسی برخوردار است از تمام دانش ها من جمله از مذهب برای بهبود

زندگی اجتماعی و پاکسازی و انسانی والا شدن سود می جوید .

کوتاه سخن آنکه جرم شناسی بر آنست تا عدالت واقعی را از طریق احسان به نیکوترین وجهی تحقق

بخشد .

باید نیکی کردن را آموخت تا محلی برای بد آموزی و سیه روزی و بدی کردن باقی نماند. باید بیچارگان

و عوامل بدبختی و تباه زدگی آنان را شناخت ، بیماری آنان را تشخیص داد ، به درمان آنان همت گماشت ،

موانع داخلی و خارجی یا فردی اجتماعی را ، که سد راه کمال و حقیقت و خلوص و پاکی و انسانیت و حریت

است از سد راه برداشت و راه زندگی شرافتمندانه را به سوی آنان گشود .

بخش دوم : علت جرم

بنا به روایت پی ناتل به تازگی از طرف سازمان ملل متحد علت چنین تعریف گردیده است :

«شرط لازمی که بدون آن رفتار مجرمانه بروز نخواهد کرد»

تعریف سازمان ملل متحد از «علت» ناظر به «علت جرم» یا «علت جنایی» است یعنی علت را به طور علی

الطلاق و عام تعریف نمی کند بلکه نوعی از علت یا «علت جرم» را فقط تعریف می کند و از سوی دیگر

همانگونه که آقای پی ناتل از قول من هنتیگ نقل کرده است سازمان ملل متحد مفاهیم علت و شرط را به هم

در آمیخته است .

الف کین برگ استاد سوئدی می نویسد : «هر رفتاری که از انسان سر می زند واکنش یک محرک است .

هر موجود زنده کاملی نیز تابع این اصل است و از آنجا چنین نتیجه می شود که تمامی اعمال انسانی همیشه

فقط یک علت پدید می آید که آنرا «عقدہ علی» می شناسند.

با تجزیه و تحلیلی که از اطراف پژوهندگان به عمل آمد مسلم گردید هر عمل آدمی ثمره سرشت یا نهاد فردی و استعدادهای ارثی او و مجموع تأثیرات عوامل محیط های داخلی و خارجی است که او را در بر گرفته است، محتویات تاریخچه حیات بزهدکار از لحظه های که خود او به صورت سلول تخم تشکیل شده تا لحظه ای که عمل جنائی از او سرزده، هریک به گونه ای در تکوین جنایت مؤثر بوده است. زنجیر مسدود علیت از ارتباط ناگسستنی تمام این عوامل که به نحوی در هم آمیخته اند به وجود می آید. آخرین حلقه این زنجیر مسدود علیت رفتاری است که ما آنرا جرم می نامیم.^۱

خلاصه فصل اول:

ابتدا سعی شده در فصل اول کلیاتی درباره جرم بحث شود که جرم شناسی را مورد بررسی قرار داده ایم و بعد وارد بحث جرم سیاسی می شویم.

جرم شناسی یکی از جالب ترین و ارزنده ترین و انسانی ترین رشته های دانش است.

هدف از جرم شناسی این است که روش هایی برای درمان و اصلاح و تربیت بزهدکاران به کار برده است.

انسان ناکامی را که با خودش قهر کرده است و از خویش فاصله گرفته با خودش آشتی کند و راه مهرورزیدن را بیاموزد.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید

یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

در فصل دوم بحث جرم را مورد بررسی قرار داده ایم. نتیجه‌ای که از این بحث می‌گیریم این است که سر

عمل آدمی ثمره سرشت یا نهاد فردی و استعدادهای ارثی او و مجموع تأثیرات عوامل محیطی های داخلی و

خارجی است که او برگرفته است.

www.kandoo.cn.com
www.kandoo.cn.com
www.kandoo.cn.com

بخش نخست: پیشینه تاریخی جرم

جرم سیاسی:

جرم سیاسی، یکی از انواع «جرائم» است که در حقوق کیفری مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. در تعریف جرم ممکن است؛ عنصر «ضد اخلاقی» بودن یا خصیصه «ضد اجتماعی» بودن آن، مورد نظر حقوقدان باشد، لیکن هر چه هست، به لحاظ حقوقی، جرم؛ فعل یا ترک فعلی است که قانونگذار برای آن مجازات یا مجازاتهایی در نظر گرفته است جرایم بنا به ملاحظات مختلفی طبقه بندی شده اند.

جرم ممکن است آنی یا مستمر، عمدی یا غیر عمدی، مشهود یا غیر مشهود و امثال اینها باشد. یکی از طبقه بندی های جرائم، در حقوق جزا، طبقه بندی جرم به لحاظ روانی می باشد که در این قسم از طبقه بندی، جرم به جرم عمومی و جرم سیاسی تقسیم می شود. در مقابل جرم عمومی مثل قتل، دزدی، کلاهبرداری و خیانت در امانت، جرم سیاسی قرار دارد. جرم سیاسی، جرم ناشی از یک فکر سیاسی است و به معنی اخص، جرمی است که به هر تقدیر با نظم سیاسی موجود، در عرصه های داخلی یا خارجی مخالف است.

پیشینه تاریخی جرم سیاسی

جرم سیاسی و مجازات های مربوط به آن در ادوار مختلف دستخوش تحولات و دگرگونی هایی بوده است. در ادوار باستان، در خیلی از سیستم ها و حکومت ها بنا به نظر برخی از حقوقدانان، اساساً جرم سیاسی مورد توجه نبوده و به عنوان «جرم»ی که دارای مزایایی باشد، شناخته نبوده است. اما برخی معتقدند که در بعضی از نظام های حقوقی جرم سیاسی، به هر تقدیر دارای برجستگی ویژه بوده است. النهایه، در ادوار گذشته، بر

مجرمین سیاسی می کرده اند .

بنا به قول بعضی از کیفر شناسان این شیوه (داشتن مجازات‌های سنگین) همچنان ادامه و استمرار داشته است تا پس از انقلاب فرانسه و حاکمیت مکاتب طرفدار فرد ، پس از تغییر و تحولاتی ، جرم سیاسی، تعریف ویژه‌ای می یابد و از آن به بعد در برخورد با مجرمان سیاسی مدارای بیشتری می شود و امتیازات خاصی به مجرمین سیاسی داده می شود .

مجدداً پس از تحولاتی ، این برخوردها ، چهره عوض می کند و بار دیگر با مجرمان سیاسی ، چون گذشته با خشونت و تندی بیشتری رفتار می شود ، و حتی در برخی از کشورهای متمدنی که طرفدار حقوق فردی نیز هستند ، برای جرایم سیاسی و مصادیق آن رفته رفته محدودتر و تنگ تر می شود، به حدی که در کشورهای کمونیستی و امثال آن مجدداً جرم سیاسی از « گناهان کبیره » تلقی می گردد در خیلی از موارد ، عنوان جرم سیاسی و تعریف آن از حقوق جزایی و قوانین کیفری محو شده و دیگری نامی از « جرایم سیاسی » برده نمی شود .

نگاهی به تاریخ ، تا انقلاب ۱۹۷۸ فرانسه

مورخین نوشته اند، در دوران هخامنشی ، جرایمی که جنبه های سیاسی داشته و یا جرایمی که مربوط به امنیت کشور می شده ، توسط والیان مورد رسیدگی قرار داده و شخص شاه به تقصیرات مهم سیاسی و یا جرایمی که قضات مرتکب می شدند رسیدگی می کرد.

مرتباً شخصی به اتهام خیانت به کشور و سوء تدبیر می شد، رسم بر این بود که وی را به پایتخت

می آوردند و پس از اینکه گوش ها و بینی او را می بریدند جهت عبرت دیگران، در شهر به گردش در آورده و

سپس او را به ولایتی که مرتکب جرم شده بود، عودت داده و می کشتند.

در دوره هخامنشیان جرایم دارای دو جنبه عمومی - سیاسی و خصوصی بودند. در جرایم عمومی -

سیاسی:

«ارتکاب جرم علیه شخص پادشاه، و اعضای خانواده سلطنتی و همچنین توطئه برای سرنگونی حکومت ...

و خیانت به کشور و جاسوسی، عصیانگری و طغیان همگی از جرایم عمومی محسوب و مجازات اعدام به

دنبال داشت.

داریوش دوم، شخصی به نام «هرکارینا» را که قصد توطئه داشت، دستگیر و به قتل رسانید، در کتیبه

داریوش بزرگ آمده است که فرمان داد گوش و بینی و زبان «فراورتیس» را بریده و سپس او را مصلوب

سازند.

علاوه بر مجازاتهای فوق الذکر، فرار از جنگ، پیوستن به دشمن از جرایم عمومی محسوب و مجازات

اعدام داشت. دست از آستین در آوردن در حضور شاه جرم و مجازات اعدام داشت. علاوه بر اینکه سوء قصد

به جان پادشاه مستوجب اعدام بود، بلکه شروع به توطئه نیز جرم محسوب و مجازات اعدام در برداشت»

پس از انقلاب فرانسه

پس از انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹، مدتها نسبت به مجرمین سیاسی، چون گذشته عمل می شد و آنگونه

که نویسندگان حقوق کیفری آورده اند، حتی در قانون جزای سال ۱۸۱۰ که توسط ناپلئون و تحت نفوذ و

قدرت او تهیه و تدوین شده بود، مجازات اعدام برای مجرمین سیاسی در نظر گرفته شده بود و اجرا می شد.

رسیدگی، دادگاه استان مأمور رسیدگی به مجرمین سیاسی می‌شود به این قبیل جرایم قبلاً در دادگاه‌های شهرستان رسیدگی می‌شد در سال ۱۸۳۲ مجازات جرایم سیاسی نسبت به گذشته ملایم‌تر می‌شود و در نهایت در سال ۱۸۴۸، مجازات اعدام نسبت به جرایم سیاسی لغو و منسوخ می‌گردد.

اواخر قرن نوزدهم

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، تعاریف جرم سیاسی و مفهوم و گسترهٔ مصادیق آن، تحول یافت، و هر مرام و اندیشه و مکتبی با توجه به اصول و گرایشهای خود و همچنین با در نظر گرفتن اوضاع و احوال سیاسی داخلی و خارجی و ضرورتها و مقتضیات عصر، با «جرم سیاسی» بگونه خاصی برخورد کرد. در این تحولات قطعاً، فعالیتهای مخرب آنارشویست‌ها، بروز مکتب‌های فکری قدرت طلب و اقتدارگرا، و وقوع جنگهای جهانگیر مدخلیتی غیر قابل تردید داشت. در این دوره، حتی بین جرایم سیاسی از یک سو و جرایم اجتماعی از سوی دیگر تفکیک قائل شدند و روشن است که به بهانه پیشگیری از «جرایم اجتماعی» شمول و گسترهٔ «جرایم سیاسی» را محدودتر کردند. قوانین جزایی سالهای ۱۸۹۳ و ۱۸۹۴ برای جرایم اجتماعی که نظامات اجتماعی را به طور کلی در معرض تهدید و نابودی قرار می‌داد، مجازاتهای بسیار شدیدی در نظر

گرفت.^۱

^۱ اصغری، سید محمد، جرم سیاسی (تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۸) صص ۲۴ و ۲۹.

تعریف جرم سیاسی ، مسئله‌ای است که از آغاز کار ایجاد گفتگوی بسیار کشنده و هر تعریفی با ایراد و اشکالی مواجه شده است .

در قانون هیچ کشوری نمی توان ضابطه‌ای دقیق برای تشخیص جرم سیاسی بدست آورد نظریه های دانشمندان علم حقوق نیز باندازه‌ای متشتت و متباین است که اگر بر دشواری کار نیفزاید چیزی از آن نمی کاهد . با این مقدمه پیداست که تعریف علمی جرم سیاسی بسیار مشکل است .

بیشتر کشورها در قوانین خود مقرراتی برای جرم سیاسی وضع کرده اند اما قانون گزاران کشورهای مختلف فقط تا همین جا با هم همراه و هم رایند و از همین نقطه از یکدیگر جدا می شوند. همین که مسأله قانونی به این صورت مطرح شد که با مجرم سیاسی چگونه باید رفتار کرد . تشتت و اختلاف آراء به حد نهایت می رسد در این مورد دو نظر کاملاً متضاد وجود دارد یکی طرفدار شدت عمل است و دیگری جانبدار رفق و مدار جانبداران مکتب اصالت فرد یا در برابر آنان طرفداران اصالت اجتماع همچین مکتب هائی که آزادی افراد را بر قدرت دولت مقدم می دانند یا برعکس قدرت دولت را بر تراز هر مصلحتی می شناسند، مظاهر مختلف این دو طرز تفکر مختلفند .

در تعریف جرم سیاسی تعارض مکتب های اجتماعی و سیاسی هر چه واضح تر نمودار می شود . جرم سیاسی بیشتر در ضمن شورش یا انقلاب رخ می دهد و در ضمن این امور باز شناختن اندیشه های هرج و مرج طلبانه از اندیشه‌ای درست و اطلاع طلبانه کار دقیق و دشواری است .

اساس مهمتر در مباحث تشخیص حرمها پس از تعاریف دربارۀ جرم سیاسی است. بر تعاریف در سوریس

سرکوب شود حکومت انقلاب کنندگان را مجرم خواهد شناخت برعکس اگر انقلاب پیروز شود حکومت

ساقط شده غاصب حقوق ملت بوده است و معمولاً بهمه اعمال انقلابی صحه گذاشته می شود.

اما اصول حقوقی باید چنان استوار باشد که وقایع زود گذر سیاسی نتوان آن را متزلزل سازد.

ممکن است وقایع سیاسی «شهیدان» و «مجرمان» را در یک صف قرار دهد اما قضاوت تاریخ و داوری

دانش باید جز این باشد و باید بتواند حکم کند که در چه مورد حقی حفظ شده و در کجا مورد تعدی قرار

گرفته است.

در مباحث کلی مربوط به جرم سیاسی آمده است که پس از پیدایش مفهوم جرم سیاسی، دو نظریه در

تعریف آن شکل گرفته است: نظریه سیستم درونی و نظریه سیستم بیرونی.

در نظریه سیستم درونی برای تشخیص جرایم سیاسی از جرایم عمومی، انگیزه مجرم مورد توجه قرار می

گیرد. بر این اساس، هرگاه شخص با انگیزه منافع شخصی و ارضای خود پسندی و جاه طلبی سیاسی مرتکب

جرم شود، مجرم سیاسی تلقی نمی شود و عمل او در صورتی جرم سیاسی محسوب می شود که با

اندیشه منافع عمومی انجام گرفته باشد.

در نظریه سیستم بیرونی به جای انگیزه مجرم، به اثر جرم توجه می شود. بر این اساس، جرمی که در اثر

ارتکاب آن به حیات و تشکیلات نظام حاکم ضربه وارد می شود فارغ از انگیزه مجرم، جرم سیاسی محسوب

می شود.

در ماده (۱) لایحه جرایم سیاسی، مصوب هیأت وزیران آمده است. جرم سیاسی عبارت است از فعل یا

ترک فعلی که مطابق قوانین موضوعه قابل مجازات است هرگاه با انگیزه سیاسی علیه نظام جمهوری اسلامی

شهروندان انجام گیرد؛ مشروط به این که انگیزه ارتکاب آن منافع شخصی نباشد» این ماده انگیزه سیاسی را در هر حالتی، شرط لازم برای سیاسی تلقی شدن جرم ارتكابی می داند. بنابراین، نظریه سیستم درونی قطعاً در این ماده مورد تبعیت است علاوه بر آن مطابق این ماده برای سیاسی محسوب شدن جرم، علاوه بر ضرورت وجود انگیزه سیاسی، لازم است که جرم ارتكابی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران و یا حاکمیت دولت و یا مدیریت سیاسی کشور و یا علیه حقوق سیاسی و اجتماعی و آزادیهای قانونی شهروندان صورت گرفته باشد. با توجه به این که جرایم انجام شده علیه حقوق اجتماعی و آزادیهای قانونی شهروندان لزوماً واجد آثار سیاسی نیستند. می توان گفت که پذیرش نظریه سیستم بیرونی در ماده فوق نسبی است و جرایم علیه حقوق اجتماعی و آزادیهای قانونی در این ماده به استناد وجود انگیزه سیاسی و با پیروی از نظریه سیستم درونی، سیاسی تلقی شده است. ماده فوق در سایر موارد وجود انگیزه و آثار سیاسی را به صورت توأمان، شرط سیاسی محسوب شدن جرم دانسته است.

به گفته «آنسل» (ANCEL) در تعریف جرم سیاسی، تفاوت و تعارض مکتب های اجتماعی و سیاسی هرچه واضح تر نمودار می شود. همانطور که دیدیم، مکاتب طرفدار فرد و آزادیهای فردی، معتقدند که با مجرم سیاسی باید مماشات و مدارا کرد و مکاتب طرفدار اجتماع (اصالت اجتماع) عقیده دارند که با مجرمین سیاسی که مصالح جامعه را به خطر می اندازند، باید با خشونت برخورد کرد. نه تنها دیدگاه هایی از این قبیل تعریف دقیق جرم سیاسی را مواجه با مشکلاتی کرده است، بلکه رویه قانونی و قانونگذاری نیز بر این مشکل افزوده است، و علاوه بر این؛ بازشناختن اندیشه های هرج و مرج طلب از اندیشه های اصلاح طلبانه و آرمان

راههای زیر استفاده کرده اند.

«گاهی جرم سیاسی را به وسیله تعریف قانونی مستقیماً مشخص می کنند. گاهی قسمتی از جرایم را زیر این عنوان (جرم سیاسی) ذکر می کنند. و گاهی نیز به طور غیر مستقیم بدون تعریف کردن، یا مشخص کردن جرم سیاسی، وضع مجرمان سیاسی را از نظر مجازات و طرز دادرسی تعیین می کنند»

برخی از کشورها مانند انگلستان و اسپانیا نیز اساساً جرم سیاسی را، مورد توجه قرار نداده و در سیستم حقوقی خود اشاره ای به آن نکرده اند.

قانون ۱۹۲۹ آلمان در تعریف جرم سیاسی می گوید:

«جرم سیاسی عبارت است از هرگونه حمله و تعرض مجرمانه بر ضد وجود یا حق حاکمیت دولت، یا بر ضد رئیس دولت یا یکی از اعضای حکومت از آن جهت که عضو حکومت است، یا بر ضد قانون اساسی کشور، یا بر ضد حقوق سیاسی، یا انتخاباتی مردم، یا بر ضد حسن روابط با کشورهای خارجی» البته پس از قدرت یافتن حزب ناسیونال سوسیالیست در آلمان، تعریف جرم سیاسی تغییر می کند و نسبت به مجرمان سیاسی سخت گیری بیشتری اعمال می شود.^۱

در تعریفی ساده از جرم سیاسی، گفته شده است که «به طور کلی هر جرمی که مستقیماً بر علیه دولت باشد جرم سیاسی است. مثل شورش و خیانت»^۲

تعدادی از تعاریف جرم سیاسی نیز توسط حقوقدانان و نظریه پردازان حقوق جزا ارائه شده است. برای مثال یکی از آنها در تعریف جرم سیاسی چنین گفته است: «جرم وقتی سیاسی است که مقامی که از آن جرم اعم از

۱ - صادقی، میر محمد، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶.

۲ - زینلی، محمد رضا، جرم سیاسی و حقوق جزای اسلامی (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۸) ص ۲۷.

اینه حیثیت باشد یا جنبه اسباب دیده و متضرر سده است ، دولت باشد . یعنی سیاسی نه دولت از نظر وضع

اجتماعی یا سیاسی خود متضرر گردد یا هنگامی که عمل ارتكابی متوجه این نهاد اجتماعی یا سیاسی یعنی

دولت باشد جرم مزبور سیاسی تلقی می گردد.»^۱

گاهی هم جرم سیاسی به صورت مصداقی یعنی از لحاظ بررسی مصادیق آن تعریف می شود . در این

تعریف تلاش آن است که مصادیق و موارد عینی و خارجی جرم سیاسی مشخص گردد و فقط بازی با الفاظ و

کلمات و مفاهیم ذهنی و انتزاعی مورد توجه قرار نگیرد . برای مثال در ماده ۱۵ قانون بازسازی نیروی انسانی

وزارتخانه ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت ایران که در پنجم مهرماه ۱۳۶۰ به تصویب رسید و تا تاریخ

نهم اسفند ۱۳۶۲ استمرار یافت ، جرایم سیاسی و نظامی به دو دسته تقسیم می شوند:

الف) جرایم مربوط به قبل از انقلاب اسلامی

ب) جرایم مربوط به پس از انقلاب

جرایم سیاسی و نظامی مربوط به قبل از انقلاب عبارتند از :

- ۱- همکاری با ساواک منحل
- ۲- فعالیت در دوائر حفاظت در اجرای برنامه های خاص ساواک
- ۳- فعالیت مؤثر در تحکیم رژیم گذشته و حزب منحل رستاخیز
- ۴- ارتباط جاسوسی با دول بیگانه و یا سازمانهای جاسوسی خارجی
- ۵- عضویت در تشکیلات فراماسونری و سازمانهای وابسته و مشابه آن

^۱ - اولیویه ، امیل ، باکله هنگ ، رزی ، شورای دولتی فرانسه و استرداد در امور سیاسی ، به نقل از مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین المللی ، شماره ۱۴ و ۱۵ .

مشاغل وزارت و معاونت وزارت و سفارت و استانداری در رژیم سابق پس از خرداد ۱۳۴۲ تا ۲۲ بهمن

۱۳۵۷.

و جرایم مربوط به پس از انقلاب اسلامی عبارتند از:

- ۱- قیام علیه جمهوری اسلامی به هر نحو
- ۲- همکاری با قوای نظامی بیگانه علیه نظام جمهوری اسلامی ایران
- ۳- عضویت در سازمانهای جاسوسی علیه نظام جمهوری اسلامی
- ۴- فعالیت به نفع گروه هایی که فعالیت آنها ممنوع اعلام گردیده است
- ۵- ارتکاب اعمال مغایر با مصالحه نظام جمهوری اسلامی از قبیل: شایعه پراکنی، کار شکنی، کم کاری و همچنین موارد غیر قانونی اعتصاب، و تحصن و تظاهرات
- ۶- اعمال زور مسلحانه برای بدست آوردن امتیازات فردی یا گروهی
- ۷- اعمال فشارهای گروهی یا فردی برای تحمیل مقاصد نامشروع یا بدست آوردن امتیازات غیر قانونی
- ۸- قاچاق اسلحه و مهمات
- ۹- افشای اسناد و اسرار نظامی
- ۱۰- از بین بردن یا اختفای غیر مجاز مدارک و اسناد دولتی
- ۱۱- به کاربردن قلم و بیان و هر گونه تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی^۱

الف) رسیدگی به جرایم سیاسی ، در حضور هیأت منصفه ، انجام می گیرد . اصل ۱۶۸ قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران در این خصوص مقرر می دارد :

« رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه ، در محاکم دادگستری صورت می گیرد .

نحوه انتخاب ، شرایط ، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می کند . « قید علنی بودن محاکمات سیاسی و مطبوعاتی ، از ابداعات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است .

قید علنی بودن در اصل ۷۹ متمم قانون اساسی سابق وجود نداشت و چه بسا این مسأله می توانست ، مورد

استفاده سوء قرار گیرد به همین علت به علنی بودن محاکمه در اصل ۱۶۸ تصریح شده است

در واقع مبنای اظهار نظر « هیأت منصفه » مقید به قواعد حقوقی و قوانین مربوطه نیست . اظهار نظر هیأت

منصفه، بر مبنای « انصاف » و برداشت و تلقی افکار عمومی است . در حقیقت هیأت منصفه نماینده افکار

عمومی است که نظرش می تواند اندازه تنفر و انزجار مردم ، یا برعکس عدم نفرت جامعه را بازگو نماید . از

سوی دیگر الزام به شرکت هیأت منصفه در جرایم سیاسی و مطبوعاتی ، حاکی از این است که مجرمین

سیاسی ، دستخوش امیال و اغراض قضاتی که به هر تقدیر وابسته به دولت و حکومت هستند نگردند .

ب- مجرمین سیاسی از استرداد معاف هستند . این قاعده ، البته تحت شروط و شرائطی ، بر اساس یک

سنت بین المللی تثبیت شده است . ماده ۸ لایحه قانونی استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹ (در ایران) در این

زمینه می گوید: هرگاه جرم ارتكابی سیاسی بوده باشد استرداد مورد قبول واقع نخواهد شد . البته روشن است

مجرمین سیاسی نیز تعهدی نیز نخواهند پذیرفت .

ج- از نظر مجازات در خصوص مجازات مجرمین سیاسی ، در قوانین کیفری برخی از کشورها مجازات اعدام، یا حبس با اعمال شاقه و کار در نظر گرفته نشده است به طور کلی در مجازات مجرمین سیاسی موارد زیر در قوانین کشورهای مختلف وجود دارد .

۱- تکرار جرم و مقررات تشدید مجازات به علت تکرار در مورد مجرمین سیاسی رعایت نمی شود.

۲- مجرمین سیاسی لباس مخصوص زندانیان را نمی پوشند

۳- عفو عمومی بیشتر در خصوص مجرمین سیاسی مصداق نمی یابد

۴- توقیف شخص به خاطر مسائل مالی اجرا نمی شود

۵- در جرایم سیاسی آثار تبعی و تکمیلی جرم ، لحاظ نمی شود (مثل محرومیت از حقوق اجتماعی و ...)

۶- ارتکاب جرم سیاسی سابقه کیفری محسوب نمی شود .

۷- عفو مجرمین سیاسی ، ساده تر از سایر مجرمین انجام می گیرد .

۸- مدت زمان برای اعاده حیثیت کمتر از موارد دیگر است

۹- در آزادی مشروط مجرمین سیاسی نیز تسهیلاتی در نظر گرفته می شود

بخش سوم: نحوه برخورد کلی با مجرمان سیاسی^۱

در مورد چگونگی برخورد با مجرمان سیاسی در طرحها و نظریات ارائه شده دو مسئله اساسی مد نظر است:

۱- نگرانی از برخورد ظالمانه دادگاه ها با مجرمان سیاسی

¹ -[http://www.&havanin.ir/paperdetail.asp? ids147](http://www.&havanin.ir/paperdetail.asp?ids147).

اجرای مجازات و.... نگرانی قانونگذار از برخورد ظالمانه با مجرمان - چه مجرمان عمومی و چه مجرمان سیاسی و وضع مقررات مناسب در قانون اساسی و قوانین عادی جهت جلوگیری از تضییع حقوق آنها در محاکم امری منطقی ، مطلوب و مورد انتظار است . در ست است که این نگرانی در مورد مجرمان عادی نیز موجه و موجود است ، لیکن تدوین کنندگان قانون اساسی ، به حق ، حساسیت ویژه‌ای در مورد مجرمان سیاسی نشان داده اند و از این رو ، در اصل ۱۶۸ قانون اساسی مقرر کرده اند که رسیدگی به جرایم سیاسی اولاً به صورت علنی و ثانیاً با حضور هیأت منصفه انجام گیرد ، آشکار است که رسیدگی به شیوه فوق تا حدود زیادی موجب رفع نگرانی از احتمال برخورد ظالمانه با مجرمان سیاسی خواهد شد .

در مورد مسئله دوم باید گفت اصل ۱۶۸ قانون اساسی هیچ دلالتی بر استحقاق مجرمان سیاسی به اعمال تخفیفها و تسهیلات خاص ندارد، بلکه مجرم سیاسی ممکن است در دادگاه علنی و با حضور هیأت منصفه محاکمه شود و با توجه به جرایم انجام شده و میزان نقض حدود الهی و حقوق جامعه ، به شدیدترین مجازاتها محکوم شود .

لایحه جرایم سیاسی و نحوه رسیدگی به آن ، تهیه شده در قوه قضائیه :

این لایحه در ماده (۱) خود « اقدام مجرمان ... علیه نظام سیاسی مستقر و حاکمیت نظام جمهوری اسلامی ایران را از مصادیق جرایم سیاسی دانسته است . در سایر مواد این لایحه ، مقرراتی پیش بینی شده است که ناظر بر چگونگی رسیدگی به جرایم سیاسی است این مواد در پی آن هستند که ترتیب رسیدگی به جرایم سیاسی به گونه‌ای باشد که حتی الامکان نگرانی از برخورد ظالمانه با مجرم سیاسی و متهم به جرم سیاسی رفع شود در

سیاسی پیش بینی نشده است .

لایحه جرایم سیاسی مصوب هیأت وزیران :

این لایحه در ماده (۱) خود انجام فعل یا ترکیب فعلی را که مطابق قوانین موضوعه قابل مجازات است ، در صورتی به عنوان جرم سیاسی می شناسد که با انگیزه سیاسی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران و... انجام گیرد در لایحه هیأت وزیران نیز مواد متعددی در صدد رفع نگرانی از برخورد ظالمانه با متهمان و مجرمان سیاسی می باشند . لیکن علاوه بر آنها ماده (۲۲) این لایحه تخفیفات و تسهیلات ویژه ای را برای آنان پیش بینی می کند که شمول آنها به برخی از مجرمان سیاسی ، موجه نیست در ماده (۲۲) این لایحه آمده است : متهمان و محکومان به جرایم سیاسی ، علاوه بر برخورداری از امتیازاتی که برای متهمان و محکومان عادی به موجب قوانین و مقررات پیش بینی شده ، از مزایای بر حسب مورد ، بهره مند می باشند:

الف) محل نگهداری متهمان و محکومان سیاسی از متهمان و مجرمان عادی مجزا خواهد بود .

ب) زندانیان سیاسی را نمی توان به هیچ وجه در طول مدت محکومیت به پوشیدن لباس زندان موظف

نمود.

پ) احکام تکرار جرم درباره محکومان سیاسی جاری نخواهد بود .

ت) پیشینه محکومیت به جرایم سیاسی موجب هیچگونه محرومیت از حقوق اجتماع نمی شود .

ضرورت وجود هیأت منصفه از آن جهت است که اعضای آن بتوانند در مرحله صدور رأی به نمایندگی از افکار عمومی و آحاد مختلف مردم در تبرئه یا تعیین مجازات مجرم سیاسی - یا مطبوعاتی - حقیقتاً موثر واقع شوند و این امر باعث ایجاد جو همدلی و اتفاق نظر در نحوه نگرش جامعه به رأی قاضی و در کل نسبت به دستگاه قضایی می شود . از آن مهتر سبب حفظ حقوق متهم توسط نمایندگان «مردم» که متأثرین اصلی از عمل یا نتیجه عمل مجرم به شمار می روند ؛ می گردد . در این میان نکته ای که باید مورد مذاقه قرار گیرد ، آن است که حضور هیأت منصفه از جهت کشف یا عدم کشف عنصر ماهوی جرم ، دارای اهمیت بسیاری است . زیرا نقش هیأت منصفه به نمایندگی از وجدان عمومی ، « شراکت در قضاوت » است نه صرفاً مشاوره و نظارت به همین دلیل است که قاضی باید عنصر قانونی جرم را تشخیص دهد و در جایی که هیأت منصفه متهم را مجرم شناخته یا تبرئه می کند قاضی حق اظهار نظر در ماهیت موضوع را ندارد . بنابراین عرف آن است که در دادگاه متهمان سیاسی - و مطبوعاتی - اتخاذ تصمیم درباره مسایل ماهوی با هیأت منصفه و انطباق موارد اتهامی با مواد قانونی ، به عهده قاضی باشد و رأی نهایی قاضی با توجه نظر هیأت منصفه انشاء گردد .

لایحه جرایم سیاسی و نحوه رسیدگی به آن ، تهیه شده در قوه قضائیه :

مطابق تعریف لایحه قوه قضائیه ، جرم سیاسی فراتر از تخلفات و شامل اقدامات مجرمانه است . بنابراین رسیدگی به جرایم سیاسی آن گونه که لایحه قوه قضائیه آن را تعریف می کند ، مسلماً امری قضائی است . از سوی دیگر مطابق ماده ۱۰ این لایحه ، مرجع تعیین اعضای هیأت منصفه ، قوه قضائیه نیست . بلکه برای انتخاب اعضای هیأت منصفه در هر استان ، هیأتی به عنوان هیأت انتخاب ، مرکب از استاندار ، رئیس کل دادگستری

سه سال یکبار تشکیل می گردد و ...

شرایط مقرر برای اعضای هیأت منصفه در ماده ۱۸ این لایحه نیز منطبق با شرایط قاضی نیست. بنابراین، اعضای هیأت منصفه ای که بر اساس این ماده انتخاب شوند، لزوماً واجد شرایط قاضی نخواهد بود. در این شرایط باید دید لایحه قوه قضائیه چه نقشی برای هیأت منصفه در رسیدگی به جرایم سیاسی پیش بینی کرده است.

بخش پنجم: علنی بودن دادگاه، حضور هیأت منصفه و حضور وکیل و تأکید بر تشکیل جلسات دادگاه در

محاكم دادگستری^۱

با وجودی که اصل ۱۶۵ قانون اساسی مقرر می دارد: «محاكمات علنی انجام می شود و حضور افراد بلا مانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد» و رویه قضایی در تشکیل محاكم نیز بر اجرای این امر صحه می گذارد، اما اصرار طراحان قانون اساسی در تکرار و تأیید بر ویژگی (علنی بودن) محاكم سیاسی و مطبوعاتی، مبین این نکته مهم است که این گونه محاكم باید «حتماً» به صورت علنی برپا شوند و هیچ گونه استثنایی حتی از آن نوع که در اصل ۱۶۵ در نظر گرفته شده - به هیچ وجه نباید سبب تشکیل غیر علنی و دور از نظر افکار عمومی گردد.

همچنین توجه به این گفته شهید دکتر بهشتی که در جلسه مجلس خبرگان قانون اساسی عنوان نمود:

«خود این که مجرم سیاسی و مطبوعاتی علناً محاکمه شود، جلوی بسیاری از مفاسد و مضیقه ها را می گیرد

بنابراین اگر بخواهند این را دست بزنند و بگویند هر وقت خلاف نظام تشخیص دادند، سری انجام بدهند.

و این اصل را ما اصطلاحاً «بسیم» می‌نامیم، «مبیین این است که در نظر اوین رئیس صوه

قضائیه جمهوری اسلامی ایران، دفاع از حقوق متهمان سیاسی تا چه اندازه مهم بوده است به عبارت دیگر، باید گفت از نظر پایه گذاران قانون اساسی تشکیل علنی دادگاه رسیدگی به جرایم انتسابی به یک متهم سیاسی، در هیچ شرایطی «تعطیل بردار» نیست.

حکم قانون اساسی در مورد لزوم علنی بودن رسیدگی به جرایم سیاسی و حضور هیأت منصفه، حکمی کلی است که ممکن است در بعضی مصادیق با سایر احکام قانون اساسی نظیر ضرورت حفظ حیثیت افراد و دفاع از امنیت کشور و... تزامن داشته باشد و در تزامن با احکام مهمتر، محدود شود. مناسب است در قوانین عادی که احکام را تفصیل بیشتری نسبت به قانون اساسی بیان می‌کنند، حتی الامکان این محدودیتها درج شود تا راهنمای مجریان قانون باشند. به نظر می‌رسد علنی بودن دادگاه و حضور هیأت منصفه علاوه بر موردی که متهم خود مایل نیست، در مواردی که با رعایت عفت عمومی و حفظ حیثیت اشخاص و امنیت ملی مغایرت دارد، موجه نیست. شورای نگهبان نیز در گذشته مصوبه‌ای از مجلس را که محاکم را ملزم به پذیرش و کیل در کلیه مراحل رسیدگی می‌کرد، رد کرده است.

بخش ششم: تأملی در تخفیفات و تسهیلات

لایحه قوه قضائیه، تخفیف و تسهیل خاصی را برای متهمان و مجرمان سیاسی پیش بینی نکرده بلکه صرفاً نحوه رسیدگی مورد نظر قانون اساسی یعنی علنی بودن و حضور هیأت منصفه را در راستای کسب اطمینان بیشتر از رسیدگی عادلانه به جرم سیاسی، مورد توجه و تأکید قرار داده است.

لایحه دولت و بیش از آن طرح نمایندگان و مصوبه مجلس، تسهیلات و تخفیفات متعددی را برای متهمان و مجرمان سیاسی پیش بینی کرده اند که ذیلاً برخی از آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

مدت محکومیت به پوشیدن لباس زندان موظف نمود) ، بند (ب) ماده ۲۳ طرح نمایندگان و مصوبه مجلس

این حکم را به متهمان سیاسی نیز سرایت می دهد و مقرر می کنند (متهمان و محکومان را نمی توان به هیچ

وجه در طول مدت بازداشت و محکومیت به پوشیدن لباس زندان موظف نمود) ؛ بند (ب) ماده ۲۳ طرح

نمایندگان و مصوبه مجلس نیز تأکید می کند : (دستبند زدن به متهمان و محکومان سیاسی ممنوع است)

۲- گویا وزیران و نمایندگان ، پوشاندن لباس زندان و دستبند زدن به متهمان و محکومان را حرکتی با

انگیزه اهانت به آنان و هتک حرمت آنان دانسته اند و خواسته اند متهمان و مجرمان سیاسی را از این اهانت و

هتک مصون نگهدارند. اشاره ای به این موضوع را در مقدمه توجیهی لایحه دولت می توان یافت . در این

مقدمه به اصل ۳۹ قانون اساسی اشاره شده که در آن آمده است (هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم

قانون دستگیر ، بازداشت ، زندانی یا تبعید شده است به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است)

ظاهراً بند (ب) ماده ۲۲ لایحه دولت با توجه به اصل ۳۹ قانون اساسی تنظیم شده است .

به نظر می رسد اموری مانند : پوشاندن لباس خاص به زندانیان و خصوص دستبند زدن به متهمان و

محکومان ، در راستای مسائل امنیتی و پیشگیری از فرار آنان و در جهت تضمین اجرای احکام قضائی نسبت به

آنها ، مقرر شده اند و هتک حرمت و حیثیت نه تنها نسبت به متهمان و مجرمان سیاسی بلکه نسبت به متهمان و

مجرمان عمومی نیز ممنوع و خلاف قانون اساسی است در این صورت ، ممانعت مطلق قانون گذار از پوشاندن

لباس زندان و دستبند به متهمان و محکومان سیاسی ، در خلاف جهت امنیت و تضمین اجرای احکام قضائی در

مورد آنان و تبعیض ناروا خواهد بود .

است: (پیشینه محکومیت به جرایم سیاسی موجب هیچگونه محرومیت از حقوق اجتماعی نمی شود.)

در اشتغال به اموری مانند قضاوت و همچنین در پذیرش شهادت شاهد، مطابق موازین اسلامی، عدالت شخصی شرط است. اگر اطلاق حکم فوق به معنی آن باشد که مجرمان سیاسی از شرط عدالت مستثنی شوند یا جرایم و گناهان در صورت یافتن وصف سیاسی صدمه‌ای به عدالت مرتکب آن نزنند، چنین حکمی مغایر موازین شرعی خواهد بود.

۴- بند (چ) ماده ۲۳ طرح نمایندگان و مصوبه مجلب، نگهداری متهمان به جرایم سیاسی در زندان

انفرادی را مگر در صورتی که دادگاه از بیم تبانی و برای تکمیل تحقیقات ضروری بداند، ممنوع می کند. این بند، نگهداری انفرادی بیش از پانزده روز را حتی در فرض تشخیص ضرورت و وجود بیم تبانی و.... مجاز نمی داند.

علاوه بر این، بندهای (ح) و (خ) ماده ۲۳ طرح نمایندگان و مصوبه مجلس، زندانیان سیاسی را به طور مطلق از (حق ملاقات و مستمر با بستگان خود) و (حق دسترسی به کتب، نشریات و رادیو و تلویزیون) برخوردار می کند و مواردی مانند: وجود بیم تبانی یا اخلال در روند تحقیقات را مانع برخورداری زندانیان سیاسی از حقوق فوق نمی داند.

۵- بر اساس بند (د) ماده ۲۳ طرح نمایندگان و مصوبه مجلس، (زندانیان سیاسی را نمی توان به

هیچ وجه در طول مدت محکومیت به کار اجباری وادار کرد) این حکم به طور مستقیم حکمی در

مورد امکان وادار کردن زندانیان غیر سیاسی به کار اجباری ندارد ولی با توجه به آنچه که در صدر

ماده ۲۳ آمده است به نظر می رسد در نظر پیشنهاد کنندگان طرح جرایم سیاسی و تصویب کنندگان

آمده است:

(متهمان و محکومان به جرایم سیاسی علاوه بر برخورداری از امتیازاتی که برای متهمان و محکومان عادی به موجب قوانین و مقررات پیش بینی شده ، از مزایای زیر بر حسب مورد بهره مند می باشند.

خلاصه فصل دوم :

در این بحث وارد بحث جرم سیاسی می شویم . در ابتدا پیشینه تاریخی جرم را مورد بررسی قرار داده ایم که خود به دوره هایی تقسیم می شود . ۱- دوران باستان ۲- انقلاب ۱۹۷۸ فرانسه ۳- پس از انقلاب فرانسه ۴- اواخر قرن نوزدهم که به شرح هریک جداگانه پرداخته ایم و بعد تعریف جرم سیاسی را مورد بررسی قرار داده ایم .

جرم سیاسی اقدام مجرمانه ای که بدون اعمال خشونت توسط اشخاص حقیقی با انگیزه سیاسی و یا به وسیله گروه های سیاسی علیه نظام حاکمیت توسط شهروندان انجام می گیرد و بعد ویژگی های جرم سیاسی را مورد بررسی قرار داده ایم که رسیدگی به جرایم سیاسی در حضور هیأت منصفه انجام می گیرد و بعد درباره نحوه برخورد کسی با مجرمان سیاسی و در آخر هم تخفیفات و تسهیلاتی که برای مجرمان سیاسی در نظر گرفته شده است که متهمان را بازداشت نمی کنند و برای پوشیدن لباس زندان آنها را موظف نمی کنند.

بغی را فاسد کردن معنی کردن معنی کرده اند و گفته اند در اصل حسد ورزیدن است و ستمگر را باغی

دانسته اند چون آنکه حسادت ورزد نهایتاً ستمگری و ظلم دست می آید . بغی علی الناس ، یعنی به مردم تعدی و ستم کرد.

راغب اصفهانی می گوید : بغی تجاوز کردن است از حد اعتدال و معنی کبر و استعلا نیز دارد و در آیه

یغون فی الارض بغیر الحق ، بغی مربوط به تجاوز گران و ظالمین است و . در مجموع « بغی » به معنی

ظلم، ستمکاری ، حسد و زنا نیز آمده است . و به زنا از این نظر بغی گفته اند که نوعی تجاوز از حد است

تجاوز از حد و عفاف و پاکدامنی .

۲- بغی در قرآن و روایات :

در آیه ۹ سوره حجرات ، واژه «بغی ، بغت» به کار رفته است . در آیات دیگری نیز واژه بغی یا

اشتیاقات دیگری از ریشه بغی استعمال شده است در سوره حجرات می خوانیم :

«و این طائفتان من المومنین اقتتلوا، فاصلحوا بینهما، فان بغت احدیہما علی الاخری فقاتلو التی تبغی ،

حتى تفی الی امرالله ، فان فانت ، فاصلحوا بینهما بالعدل و اقسطوا ، ان الله یحب المقسطین»

و اگر دو گروه از مؤمنان با یکدیگر مقاتله و جنگ کردند ، پس بین آنها صلح و آشتی کنید و اگر

گروهی بر دیگری تجاوز و ستم کند ، با ستمگر به جنگ و قتال برخیزید تا به امر پروردگار گردن نهد .

پس در صورت برگشت به حق و تسلیم در برابر امر خدا ، بین آن دو (گروه) به عدل و داد اصلاح کنید و

آشتی دهید و قسط و عدل را رعایت نمایید که خداوند اهل قسط و عدل را دوست دارد .

روایات این کلمه موارد استعمال زیادی دارد. احمد بن حجر عسقلانی، روایتی را از پیامبر اسلام (ص) نقل

می کند که راوی آن ام سلمه است، می گوید:

« پیامبر درباره عمار یاسر، که از سنگینی بار سنگ، موقع ساختن مسجد النبی در مدینه، شکوه کرد و

از افرادی که رفتار خوبی با عمار نداشتند شکایت کرد و در این شکوه گفت: این همکاران با این بار

سنگین مرا خواهند کشت و... و فرمود «تقتل عماراً، الفئه الباغیه» یعنی عمار را گروه ستمگران «فئه باغیه»

می کشند، و چنین نیز شد، عمار توسط بغات شام (گروه فلسطین) به شهادت رسید.

در کتب فقهی «بغی» در کتاب «جهاد» و در اواخر بحث مطرح شده است که تعریف آن و مسائل

دیگر در صفحات آتی مطرح و بررسی خواهد شد. فقها و حقوقدانان عامه نیز بغی را همان جرم سیاسی می

دانند.

بخش اول: تعریف جرم سیاسی از نظر اسلام^۱

جرم سیاسی عملی را می گویند که گروهی مسلمان (که تشکیلاتی قوی و نیرومند بدست آورده اند،

و از فرمان و اطاعت ولی امر مسلمین در اثر شبهاتی بی اساس که برای آنان به وجود آمده خارج گردیده

اند) با قصد و اختیار انجام دهند خواه آن عمل از راه افساد فی الارض و محاربه و یا از راه جاسوسی برای

دولت‌های اجنبی و با جنگ مسلحانه با حکومت اسلامی و یا امور دیگر صورت گیرد و مجرمین سیاسی

عبارتند از گروهی که دارای صفات مذکوره در این تعریف می باشند.

^۱- <http://Lawblf.ir/archives/1385/06/post-21>.

نداشته باشد آن عمل سیاسی محسوب نمی شود . و اگر مسلح باشند و ایجاد رعب و وحشت در جامعه نمایند محارب بوده و حکم محارب درباره آنان جاری می گردد. و همچنین اگر عمل آنان بر اساس فکر و عقیده ای غلط و شبهه ای بی اساس باشد بلکه بمنظور بدست گرفتن قدرت و سرکوبی نظام حکومت حقه اسلام باشد عمل آنان نیز جرم سیاسی محسوب نمی شود و چنانکه مسلح باشند با شرایط محاربه ، محارب خواهند بود و اگر در هر صورت مسلح نباشند تعزیرات آنان را تعزیر می کند. بر اساس قانون و اینکه در تعریف قید مسلمان ذکر شده است بخاطر این است که اگر مجرمین مذکور مرتد باشند و یا کافر حزبی بوده باشند طبق احکام خاص مرتدین و کفار دوباره آنان عمل می شود .

و فقها عظام در کتب فقه بطور مشروح درباره آنان بحث کرده اند بنابراین در جرم سیاسی عقیده به اسلام و مکتب یکی از عناصر تشکیل دهنده جرم سیاسی است و با این ترتیب نمی توان ارتداد را جرم سیاسی است و به این ترتیب نمی توان ارتداد را جرم سیاسی دانست .

تعریف جرم سیاسی از نظر دانشمندان حقوق و مقایسه آن با تعریف جرم سیاسی از نظر اسلام گروهی از حقوقدانان در تعریف جرم سیاسی می گویند:

جرم سیاسی عبارت از جرمی است که علیه تشکیلات و طرز اداره حکومت و یا مابین حقوق ناشیه آن برای افراد ارتکاب می شود.(۱) این تعریف از طرف حقوقدانانی است که جرم سیاسی را جرم مادی می دانند. یعنی طرفدار سیستم بیرونی بودن جرم سیاسی هستند .

و دسته ای دیگر از حقوقدانان که برای جرم سیاسی جنبه شخصی در نظر می گیرند یعنی قصد و غرض مجرم را از مقدمات جرم سیاسی می دانند در تعریف جرم سیاسی می گویند : جرم سیاسی عبارت است از:

«جرمی نه به قصد مبرره حیه سسیرت و سر اداره حوسب انجام پذیرد و ندوت برری نه در این دو

تعریف با تعریفی که ما درباره جرم سیاسی کردیم، وجود دارد این است که در جرم سیاسی از نظر اسلام عامل مذهب یکی از عوامل اساسی در تحقق جرم سیاسی می باشد بنابراین اگر افرادی بر علیه یک نظام غیر اسلامی قیام کنند قیام آنان یک جرم سیاسی محسوب نمی شود و اصولاً باید در حکومت‌های علیه این ویژگی از برای جرم سیاسی در نظر گرفته شود مضافاً به اینکه مجرمین سیاسی نیز باید انگیزه مذهبی داشته باشند و این شرط از کلمه (شبه حصلت لهم) (اولشبهه لایعذرون فیها) که کاشف العطاء تعبیر فرموده است استفاده می شود.

و تفاوت دیگری که جرم سیاسی از نظر اسلام با جرم سیاسی از نظر حقوقدانان دارد این است که از نظر اسلام قیام مجرمین باید دسته جمعی بوده قیام کنندگان باید دارای قدرت و نیرو و توان آنچنانی باشند که بتوانند بر علیه نظام قیام کنند اما اگر فردی باشد و یا گروهی باشد ولیکن آن گروه ناتوان و ضعیف باشند عمل آن جرم سیاسی محسوب نمی شود.

بخش دوم: شخصی (و یا درونی بودن) جرم سیاسی (بغی) و یا مادی و بیرونی بودن آن از نظر اسلام^۱

در جرم سیاسی بین دانشمندان حقوق جزا نظرات مختلف و گوناگونی وجود دارد که مهمترین آنها دو

نظریه زیر می باشند:

۱- نظریه شخصی یا سیستم درونی بودن جرم سیاسی

۲- نظریه مادی یا سیستم بیرونی بودن جرم سیاسی

در کتاب الموسوعه الجنائیه ج ۳ ص ۴۸ نوشته جندی عبدالملک آمده است:

۱ - آخوندي، دكتور محمود، آيين دادرسي كيفري، جلد ۲، انتشارات وزارت ارشاد.

نظریه می گوئیم : طرفداران مکتب شخصی بودن جرم سیاسی معتقدند جرم سیاسی بستگی بانگیزه مجرم دارد بنابراین اگر شخصی ، یک نفر از مسئولین را بقتل رساند بانگیزه آنکه حکومت را براندازد جرم وی سیاسی خواهد بود اما بر اساس نظر ماده بودن جرم سیاسی لازم نیست انگیزه سیاسی در کار باشد بکله کافی است امر سیاسی بر آن بار شود بنابراین اگر یکی از مسئولین را بانگیزه دشمنی شخص بقتل رساند و بر کشتن وی آثار سیاسی مترتب گردد چنین قتل جرم سیاسی است ، و طبق این نظریه عمل ابن ملجم مرادی که اقدام به قتل امیرالمؤمنین نمود جرم سیاسی محسوب می شود و به خاطر عملی که وی انجام داد نظام سیاسی اسلام تغییر کرد و بعضی از حقوقدانان معاصر معتقدند که جرم وقتی جنبه سیاسی دارد که هر دو امر وجود داشته باشد یعنی هم مجرم جرم را بانگیزه امر سیاسی مرتکب شود و هم آثار سیاسی بر آن بار گردد و در این مورد می توان نظریه دیگری را نیز ابراز کرد و آن این است که گفته شود در جرم سیاسی کافی است یکی از دو امر (قصد یا بار شدن آثار سیاسی) مترتب گردد.

و از ظاهر تعریفی که فقها شیعه و سنی دوباره بغی کرده و آنرا به معنای خروج بر امام عادل گرفته اند استفاده می شود که در جرم سیاسی باید قصد خروج وجود داشته باشد ، زیرا خروج بر امام عادل موضوعاً تحقق نمی یابد مگر آنکه شخصی که خروج میکند قصد خروج داشته باشد . خواه بر عمل وی آثار سیاسی مترتب گردد و یا مترتب نگردد. بنابراین اگر گروهی بر علیه نظامی قیام نمایند و از اطاعت آن سر باز زنند و سرکوب شوند یا آنان طبق احکام بغات عمل می شود مانند خوارج نهروان که بر علیه امیر مومنان علی (ع) شوریدند و همه سرکوب شدند و به قتل رسیدند . و همچنین در جنگ جمل که همگی آنان را آن حضرت سرکوب کرد اما باید توجه داشت که جرم سیاسی یا بغی وقتی می شود که مجرم دست به انجام کاری زند که

نسبت به امام انجام می دهد ، اما از نظر عقیده ای حکومت و ولایت شخص وی را قبول ندارد ، مجرم سیاسی

نخواهد بود . فقیه بزرگوار الغطاء در کتاب کشف الغطاء می فرماید :

ولا يجوز لمن اضرم البغي او اظهر بلسانه التعرضي له قبل الشروع فيه (یعنی نباید کسی را که در درون خود بغی را نگه داشته و اظهار نمی کند و یا اظهار می کند اما فقط الظهارش جنبه قولی دارد مورد تعرض قرار داد و البته باید توجه داشت که اگر اظهار بغی و مخالفت با امام و ولی امر بمنظور جمع آوری عده و عده (افراد آمادگی باشد) چنین کسی یاغی محسوب می شود .

و دلیل بر آنچه گفته شد عمل امیرالمومنین علی (ع) با عبدالله بن عمر میباشد که وی با آنکه از بیعت با امام خود داری و زید امام (ع) متعرض او نگشت و اصحاب آن حضرت که می خواستند معترض وی گردند ، از تعرض وی منع کرد و حتی خوارج که آن حضرت را لعنت می کردند هم تا مادامیکه از فرمان آن حضرت سرپیچی نکرده بودند و از حاکم خود که از طرف آن حضرت منصوب گردیده بود اطاعت می کردند مورد تعرض واقع نگردیدند.

بنابراین نمی توان بطریق اولی کسی را که در اطاعت و فرمان حاکم عادل است از کارهای وی انتقاد می کند و اشتباهات وی را گوشزد می کند یاغی دانست و متعرض او گردید مانند بعضی از خلفاء که هر گاه مورد انتقاد قرار می گرفتند به خشم نمی آمدند و می پذیرفتند نه مانند عثمان که وقتی عمار یاسر از طرف اصحاب پیامبر او را نصیحت کرد و نامه اصحاب پیامبر را به او داد چنان به سر و صورت و سینه عمار زد که استخوانهای سینه اش شکست و بهر حال شخص ناصح یاغی محسوب نمی شود اما اگر بخواهد از راه انتقاد حکومت را تضعیف نماید با توجه به اینکه سوء قصد دارد یاغی و مجرم سیاسی محسوب می شود .

بخش سوم: شرایط جنگ با بغات یا مجرمین سیاسی^۱

فقها جنگ با بغات را مشروط به شرایطی دانسته اند که ذیلاً به آنها اشاره می شود:

مرحوم کاشف الغطاء در کتاب جهاد از کتاب ارزشمند کشف الغطاء در فصل دوم از باب پنجم شرایط

مبارزه با بغات را چنین بیان می فرمایند:

(و المتبادر من اطلاق الباغين على احد الخلفاء الرشدين بعد ان تثنى له الوساده و يكون عصاء الشرع بيده

قائمه بشروط،؛ یعنی ائمه معصومین و فقهاء) که زمان امور را بدست گرفته اند با شرایطی که ذیلاً نقل می شود
خروج نماید.

شرط اول این است که از امام جدا گردیده و از پیروی وی خود داری نمایند و خود را رعایای او ندانسته

باشند خواه در شهری اقامت کرده باشند و یا در قریه ای و یا در صحرا و بیابانی

شرط دوم این است که دارای قدرت و شوکت باشند بطوریکه حاکم نتوانسته باشد بدون تهیه نیروهای

کافی آنان را سرکوب سازد، زیرا اگر امکان داشته باشد از راه آسانتری آنان سرکوب کند آنان باید از آن

طریق باشد نه با جنگ و خونریزی «شرط سوم در تشخیص خود نسبت به حقانیت حکومت حاکم دچار

اشتباهی شده باشند که در آن معذور نباشند و در اثر آن شبهه غلط از فرمان حاکم خارج گردند. شرط چهارم

آنکه ارشاد آنان از راه بحث و اقامه حجت و دلیل ممکن نباشد شرط پنجم آنکه از راه ایجاد اختلاف و فتنه

بین ایشان دفع آنان ممکن نباشد و حاکم برای دفع آنان نیاز به جنگ با آنان داشته باشد.

استاد بزرگوار و علامه محقق حاج شیخ محمد تقی شوشتری در کتاب ارزشمند خود بهج الصباغه فی شرح

نهج البلاغه (ج ۶ ص ۳۹۶ انتشارات صدر) از طبری نقل می کند که امیر المومنین علی (ع) در روز جنگ

^۱- http://www.saanei.org/page.php?pgs_showpayamfid:16slang:Fa

جمله فراموشی را در دست گرفت و در میان اصحاب خود آورد و به ایسان فرمودند امیبت از شما حاضر است

این قرآن را بدست گیرد و دشمن را به آنچه در آن هست دعوت کند هر چند کشته شود جوانی از اهل کوفه که قبای سفید در بر داشت بلند شد و گفت من حاضرم چنین کاری را انجام دهم آنحضرت از وی اعراض کرد و مجدداً آن حضرت همان مطلب را تکرار کرد و همان جوان مجدداً اعلام آمادگی نمود تا با رسوم آن حضرت قرآن را به او داد و آن جوان قرآن را در میان دشمن برد و آنان را دعوت به اطاعت از قرآن کرد دست راست او را قطع کردند و قرآن را با دست چپ گرفت دست چپ او را هم قطع کردند آنرا با سینه خود نگه داشت و همچنان آنان را به قرآن و پیروی از آن دعوت می کرد تا شهید شد.

آنچه از این قضیه و سایر قضایای مربوط به رفتار امیرالمومنین علی (ع) در جنگ جمل و نهروان، بدست می آید این است که امام قبل از اقدام به کشتن بغات باید از ارشاد و هدایت آنان خودداری نکند و آنرا به عنوان یک وظیفه مقدس الهی بمورد اجرا در آورد و مجاز نیست دست خود را به خون کسانی که دچار اشتباه شده اند تا اقدام به جنگ نکرده باشند آغشته سازد.

بخش چهارم: جرم سیاسی در متون اسلامی

جرم سیاسی در متون اسلامی تحت عنوان کلمه بغی، مطرح گردیده است و منشأ انتخاب این کلمه آیه شریفه: (و ان طائفتان من المومنین اقتتلوا فاصلحوا بینهما بان بغت اخدیهما علی الاخری فقاتلو الی تبغی حتی تفتی الی امر الله فان فانت فاصلحوا بینهما بالعدل و اقسطوا ان الله یحب المقسطین) (سوره حجرات ۹) می باشد. و در این آیه چنانکه ملاحظه می شود کلمه بغت و تفتی ذکر شده است و اختصاص باقتتال و نبرد و جنگ دارد اما از آنجائیکه جنگ یکی از جرائم سیاسی می باشد (چنانکه خواهیم گفت) می توان دانست که مراد از بغی در این آیه جرم سیاسی است.

در وسائل الشیعه ، کافی ، من لایحضره الفقیه و غیره ابواب متعدد ، درباره بغات مطرح گردیده که در تمامی

آنها از کلمه بغی همین معنی قصد شده است .

فقها عامه نیز در روایات و کلمات خود از کلمه بغی جرم سیاسی را قصد کرده اند . احمد بن حجر

عسقلانی در کتاب خود بنام بلوغ المرام من ادله الاحکام صفحه ۲۲۱ حدیثی از پیامبر نقل می کند که راوی

آن ام سلمه می باشد و آن حدیث این است که :

ام سلمه می گوید پیامبر (ص) درباره عمار یاسر فرمود : (تقتل عماراً الفئه الباغیه) یعنی عمار را فئه یا غیه

بقتل می رسانند سپس می گوید این روایت را مسلم روایت کرده است .

عبدالقادر عوده در کتاب ارزشمند خود التشریح الجنائی می گوید :

فی تقسیم الجرائم حسب طبیعتها الخاصیه ، جرائم عادیه و جرائم سیاسیه الی البغی

و سپس می گوید :

اسلام از بدو پیدایش ، بین جرائم عادی و جرائم سیاسی فرق گذاشته و این فرق را از این جهت در نظر

گرفته که عنایت به مصلحت جامعه و امنیت و حفظ نظام کیان آن داشته است . بنابراین نمی توان هر جرمی را

که به منظور سیاسی انجام می پذیرد جرم سیاسی دانست بلکه بعضی از جرائم عادی که در شرایط خاصی

انجام می گیرد ، جرم سیاسی محسوب می شوند

بنابراین جرم سیاسی با جرم عادی از نظر طبیعت متفاوت نیست و تفاوت آنها این است که انگیزه در جرائم

سیاسی با انگیزه در جرائم عادی فرق می کند . زیرا در جرائم سیاسی انگیزه سیاسی مطرح است اما در جرائم

عادی انگیزه سیاسی مطرح نیست .

گویند.

رسول اکرم (ص) فرموده اند (من حمل علينا السلاح فليس منا) (بلوغ المرام من ادله الاحکام ابن حجر عسقلانی) یعنی هر کس علیه ما اسلحه بردارد از ما نیست .

و منظور از کلمه (علینا) حاکم عادل می باشد خواه آن حاکم شخص رسول خدا (ص) باشد و یا یکی از ائمه معصومین (ع) و یا نائین ایشان چه نایب عام باشند و یا خاص و در صورت نبودن آنها عدول مومنین و نیز فرمودند :

هل تدری یا (این ام عبد) کیف حکم الله فیمن بغی من هذه الامه قال ، الله و رسوله اعلم قال لایجهز علی جریحها و لایقتل اسیرها و لایطلب هاربها و لایقسم فیلها یعنی آیا میدانی (ای ام عبد) حکم خدا درباره کسی که از این امت مرتکب بغی شود چیست ؟ عرض کرد خدا و رسول بهتر می دانند فرمود : مجروحین و اسیران آنان را نباید کشت و فراریان آنها را نباید دنبال کرد و غنیمت آنها نباید تقسیم کرد .

از این حدیث استفاده می شود که با آنها باید جنگید اما اگر مجروح و یا اسیر گشتند و یا فرار نمودند نباید معترض آنها گشت و نیز فرمودند: (من اتاکم و امرکم جمیع یربد ان یفرق جماعتکم قاتلوه) و از این حدیث استفاده می شود که شارع مقدس اسلام چقدر نسبت به حفظ نظام اهمیت داده بطوریکه بر هم زنند آن را محکوم بقتل نموده است اما باید توجه داشت مراد رسول اکرم (ص) از چنین شخصی ، شخصی خواهد بود که قدرت چنین کاری را داشته باشد و بدیهی است وقتی قدرت چنین کاری را خواهد داشت که قدرت و توان نظامی و سیاسی داشته باشد .

مجرم سیاسی « یاغی » با توجه به اینکه به خاطر یک هدف سیاسی و با اصطلاح ، برای رسیدن به یک آرمان عالی (و نه یک هدف و غرض فردی و عادی یا گروهی و پست و) اقدام به عمل مجرمانه می کند ، و یا به اصطلاح حقوق اسلامی و فقها ، بخاطر شبهه ای که به زعم او ، حکومت یا امام را ، مثلاً صالح نمی داند (او شبهه حصلت لهم) و... از مزایایی در قبل از شروع به بغی ، و در حین انجام عمل مجرمانه، و نیز پس از آن دارد که در سطور آتی مورد بررسی قرار خواهد گرفت . لیکن لازم است توجه شود که جرایم عادی مجرمین سیاسی یا بغات ، که دارای شرایط جرم سیاسی نیست ، جرم سیاسی یا بغی تلقی نمی شود و لذا با او ، تحت همان شرایط « جرم عادی ن برخوردار خواهد داشت مزایای مجرمین سیاسی یا بغات را ، فقهای امامیه و حقوقدانان اهل سنت به شرح زیر نوشته اند :

گفتار اول : قبل از اقدام به جنگ

۱- تجمع و بیان عقاید خود و تبلیغ اهداف و نظراتی که دارند البته در این مورد ، « اهل عدل » پاسخ های لازم را به شبهات بغات خواهند داد . سیره امیرالمومنین در مطالبی هم که قبلاً مذکور شد ، این سنت و امتیاز را نشان می دهد النهایه بنا به نوشته آیه الله صدر « منبع پیشین » حق تبلیغ و اجتماع تا زمانی است که از حقی امتناع یا با دستوری مخالفت نکرده باشند ، و وجود آنان خطری برای نظام اسلامی ، و مسلمانان نباشد ، و رها کردن آنها بحال خود موجب تقویت باطل و سستی و یأس اهل حق نشود ، در این صورت نرمش و سکوت در مقابل آنان جایز نیست .

۲- ورود به مساجد برای ذکر خدای تعالی

۳- استفاده از غنائم « فیئی » تا زمانی که از اهل عدل جدا نشده اند (مادامت ایدیکم معنا)

۵- «مجازات اعدام درباره مجرمین سیاسی که در حال جنگ نباشند، از نظر موازین شرعی داده

نمی شوند.^۱

البته این در صورتی است که: مرتکب قتل نشده باشند یعنی در صورتی که یک مجرم سیاسی ، خارج از میدان نبرد ، یا بعبارت دیگر در زمانی که هنوز آتش جنگ شعله ور نشده ، یا فی المثل جنگ تمام شده ، مرتکب قتل شود ؛ به تقاضای اولیای دم به قصاص محکوم می شود و دیدیم که امام علی (ع) ، ابن ملجم مرادی را صرفاً به قصاص محکوم کرد (هر چند که فرموده عفو بهتر است) در هر صورت جرایم عادی قبل از جنگ مطابق مقررات کلی مجازات می شود .

گفتار دوم: در خلال شورش و پس از جنگ

۱- در صورتی که قیام مسلحانه نباشد ، برخورد در حد نصیحت و پاسخ است ، مع الوصف اگر تبلیغات خطرناک بوده و برای نظام اسلامی در حد براندازی و سرنگونی است ، مجازات تعزیری مثل حبس و توقیف در نظر گرفته می شود .

۲- در صورتی که قیام مسلحانه است و بغات دارای حکومت و دستگاه رهبری مستقل و امثال اینها هستند فراریان آنها تعقیب و مجروحین آنها به قتل می رسند در صورتی که توبه نکرده باشند .

۳- در صورتیکه قیام مسلحانه است ولی دارای حکومت مستقل و رهبری منسجم و تشکیلات حکومتی نیستند ، فراریان آنها تعقیب نشده ، مجروحین را مداوا می کنند ، و به آنها تکلیف توبه می شود.

۴- اگر یک «باغی» در گرما گرم جنگ مرتکب قتل شود ، قصاص نخواهد شد ، امیرالمومنین در

جنگ جمل آنان را مورد عفو قرار داد

میدان جنگ شده باشند .

۶- رسیدگی به جرایم مجرمین سیاسی ، مطابق اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ،

با حضور هیأت منصفه انجام می گیرد .

۷- فرزندان آنان اسیر نمی شوند ، و اموال آنها هم مصادره نمی گردد و کلیه اموال بغاه به آنها

پس داده می شود .

۸- کلاً جنگ با بغاه به قصد دفع شورشیان است و همچنین پراکنده کردن آنها و نه کشتن و قلع و

قمع کردن ، با شورشیان نبرد می شود « حتی یفی الی طاعه الامام »

خلاصه فصل سوم :

در این فصل سوم بغی یا جرم سیاسی از نظر اسلام را مورد بحث قرار داده ایم که بغی را فاسد معنی کرده اند

و بعد تعریف جرم سیاسی از نظر اسلام که گروهی مسلمان که تشکیلاتی قوی و نیرومند بدست آورده اند و

از زمان اطاعت ولی امر مسلمین در اثر شبهاتی بی اساس خارج گردیده اند و بعد شرایط جنگ با بغات یا

مجرمین سیاسی را بحث کرده ایم که هر یک از فقها نظراتی را دادند بعد هم جرم سیاسی در متون اسلامی را

مورد بحث قرار دادیم و در آخر هم مزایای مجرمین سیاسی (الف) قبل از جنگ (ب) در خلال شورش و پس

از جنگ .

جرم سیاسی یکی از جرایمی است که تعریف دقیقی از آن نشده است و نمی توان ضابطه‌ای دقیق برای تشخیص جرم سیاسی بدست آورد دانشمندان علوم حقوق نظریه های مختلفی درباره جرم سیاسی داده اند (اصل ۱۶۸) قانون اساسی مقرر کرده است که رسیدگی به جرایم سیاسی اولاً علنی و ثانیاً با حضور هیأت منصفه انجام پذیرد .

تسهیلات و تخفیفات متعددی برای متهمان و مجرمان سیاسی پیش بینی شده است که در جرایم دیگر کم تر مشاهده می شود برای مثال زندانیان سیاسی را نمی توان به هیچ وجه در طول مدت محکومیت به پوشیدن لباس موظف نمود هم چنین دستبند زدن به متهمان و محکومین سیاسی ممنوع است .

جرم سیاسی یا بغ در شریعت اسلام مورد عنایت و توجه شارع می باشد و شاید علت آن این باشد که در نظام مقدس جمهوری اسلامی ذکری از قوانین مربوط به جرم سیاسی به طور مستقل و جدای از قوانین حدود و قصاص و دیات به میان نیامده است .

هم چنین مجرمان سیاسی از مزایایی برخوردارند که سایر مجرمان دارا نمی باشند .

با توجه به اینکه جرم سیاسی امروزه در یک مقطع بحرانی و بسیار نابسامان از دوران حیات خود به سر

می برد، لازم است که مقامات و مسئولین کشور به پیشنهادها و نکات زیر توجه لازم و کافی مبذول دارند:

۱- در حال حاضر تنها بر اساس اصل ۱۶۸ قانون اساسی از جرم سیاسی یاد شده و هویت آن به رسمیت

شناخته شده است. اما صرف نظر از قانون اساسی، دیگر هیچ قانون یا نهاد سیاسی، اجتماعی و حقوقی

توجه ویژه ای به این موضوع ننموده و قوای رسمی حاکم نیز عمدتاً با توجه به موضوع از کنار مسئله بدون

هرگونه موضع گیری و اظهار نظر می گذرند. بنابراین لازم است که هر چه زودتر مقامات و قوای حاکم،

بین این موضوع مهم یعنی جرم سیاسی پرداخته و حدود، چهارچوب، مصداق و احکام آن را مشخص

کنند. زیرا با وضعیت فعلی امکان سوءاستفاده وجود دارد و ممکن است افرادی به ناحق در زندان نگهداری

گردند. بدون آنکه دقیقاً جرم آنها و احکام مناسب با آن تعیین شده باشد.

۲- لازم است که با زندانیانی که به عنوان مجرم سیاسی دستگیر شده اند رفتار مناسب و متفاوت با سایر

مجرمین عادی صورت گیرد.

۳- تا حدود، ابعاد، تعریف دقیق و مصداق جرم سیاسی معلوم نشود امکان اجرای اصل ۱۶۸ قانون اساسی

وجود ندارد. بنابراین برای اجرای قانون اساسی و جلوگیری از ضایع شدن حقوق افراد باید هرچه زودتر

جرم سیاسی تعریف و بر اساس آن مجرمان محاکمه شوند.

لازم است که رسیدگی به جرایم سیاسی حتماً با حضور هیأت منصفه و در دادگاه های علنی صورت گیرد.

این اصلی است که در قانون اساسی پیش بینی شده است ولی باید در عمل هم مورد توجه قرار گیرد.

- ۱- آخوندی، محمود؛ آیین دادرسی کیفری ج ۲، وزارت ارشاد.
- ۲- اصغری، سید محمد؛ جرم سیاسی در تهران، اطلاعات، ۱۳۷۸.
- ۳- اولیویه، امیل، باکله هنک، رزی، شورای دولتی فرانسه و استرداد در امور سیاسی، به نقل از مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین المللی، شماره ۱۴ - ۱۵.
- ۴- زینلی، محمد رضا، جرم سیاسی و حقوق جزای اسلامی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸.
- ۵- صادقی، میر محمد، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان، ۱۳۸۶.
- ۶- کی نیا، مهدی، مبانی جرم شناسی، جلد اول، تهران؛ دانشگاه تهران.

[HTTP://WWW.&haeanin.ir/paperpexail.asp?id:147](http://WWW.&haeanin.ir/paperpexail.asp?id:147)

<http://Lawblog.ir/archives/1385/or/post-21>

<http://www.saanei.org/pase.ph?p8=showpayamfid=16glany=fa>

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Filename: Document1
Directory:
Template: C:\Documents and Settings\hadi tahaghoghi\Application
Data\Microsoft\Templates\Normal.dotm
Title: پیشگفتار
Subject:
Author: 4
Keywords:
Comments:
Creation Date: 4/10/2012 6:44:00 PM
Change Number: 1
Last Saved On:
Last Saved By: hadi tahaghoghi
Total Editing Time: 1 Minute
Last Printed On: 4/10/2012 6:44:00 PM
As of Last Complete Printing
Number of Pages: 49
Number of Words: 8,521 (approx.)
Number of Characters: 48,570 (approx.)